

مقامات چهارگانه توحید و بیان عبادت

حقیقی

حضرت نقطه اولی

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (21) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد

1

۲۱ - مقامات چهارگانه توحید و بیان عبادت

حقیقی

از حضرت نقطه در صحیفه اصول و فروع است . قوله الاعلی: "هرکس بحقیقت توحید نماید عمل بمقامات توحید نموده و اکثر خلق در مقام توحید عبادت مشرک و در مقام توحید فعل کافر گشته‌اند من حیث لا یعقلون بدانکه ذات وحده لا شریک له مستحقّ عبادت است لا غیر او و هر که عبادت نماید ذات او را باو بدون توجه بشیئی بخلق او و بدون تمنا از برای جزاء غیر او بتحقیق که عبادت کرده است خداوند را بشأنی که در حقّ امکان ممکن است و باید یقین نماید که ذات بذاته لن یوصف و لن یعرف و لن یعبد بوده و هست و عبادت احدی لایق ساحت عزّ او نیست و این مقام غایت عطیه الهی است بعبد که هرگاه وارد شود کلّ را در ظلّ فضل او مشاهده نماید و هرگاه کسی باسمى یا وصفی یا احدی از آل الله سلام الله علیهم در مقام عبادت توجه نماید کافر گشته و عبادت نکرده خدای را و



ORIGINAL

هرگاه کسی بطمع رضوان یا خوف از نیران عبادت کند او را یا بخواند او را هر آینه محبوب از عبادت خداوندی شده و لایق ذات او نیست بل سبیل عبادت این است که او را عبادت نماید بوصفی که خود نفس خود را فرموده بلا ذکر شیئی سواه و هرگاه حکم محکم از برای عابدین بنار جهنم فرموده بود حقّ بود بر عابد که او را باستحقاق ذات عبادت نماید و راضی بنار شود و حال آنکه حکم خلاف این امر است و رضوان اول عطیّه است از جانب معبود از برای مومن خالص و سبحان الله عما یشرکون ... بر کلّ فرض است اقرار بتوحید ذات و صفات و افعال و عبادات.

حاشیة

هیکل التوحید ای صورته التی استقر عینه فیها تماماً و کمالها حدود منها ما ذکر فی حدود الایمان و منها الاخلاص فی تفرید الذات و تجرید الصفات و توحید الافعال و قطع الجهات فی العبادة و هذا جملة حدود التوحید لانه من جهت اصول حدوده الکلیة له اربعة حدود الاول و قال الله لا تتخذوا الهین اثینن انما هو اله واحد و الثانی لیس کمثله شیئی و الثالث هذا خلق الله فارونی ماذا خلق الذین من دونه و الرابع فن کان یرجو لقا ربّه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعباده ربه احداً و اما فروع حدوده فلیس فی الوجود مما فی الوجدان و العیان و لا فی الغیب و اللفقدان شیئی یری قبل الله او بدون الله قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما رایت شیئاً الا و رایت الله قبله او معه لیس او للتقسیم بان یکون ما یراه قسمین احدهما یری الله قبله و الاخر یری الله معه و لا للتدرید بان یکون ما یراه متردداً بین الحالین بل المراد شیئان کلّ مراد احدهما ان یکون المعنی ما رایت شیئاً الا و اری الله قبله و معه و یلزم هذا فی حکم المنطوق و معه و بعده ای یری الله قبل الشیئی و مع الشیئی و بعده و ثانیهما انه علیه السلام له حالتان حاله المقامات و فی هذا الحاله کلّ شیئی یری الله قبله ای لا یری الا الله تعالی و حاله الامام علیه السلام و فی هذه الحاله کلّ شیئی یری الله معه فاو فی الوجه الثانی للتقسیم لحال الرأی فانه حالتان. و اذا کان اتباع الغیر و الانقیاد الیه عبادة له فاكثر الخلق عند التحقیق مقیمون علی عبادته اهواء نفوسهم الخسیسة الدنیة و شهواتهم البهیمة و السبعیة علی کثره انواعها و اختلاف اجناسها و هی اصنامهم التی هم علیها عاکفون و الانداد التی هم لها من دون الله عابدون و هذا هو الشرک الخفی نسأل الله سبحانه ان یعصمنا عنه و یطهر نفوسنا منه بمنه و کرمه و ما احسن ما قالت رابعة العدویة رضی الله عنها لک الف معبود مطاع امره دون الآله و تدعی التوحیداً " اربعین شیخ بهائی "

نقل الامام الرازی فی التفسیر الکبیر اتفاق المتکلمین علی ان من عبد الله و دعا لاجل الخوف عن العقاب او الطمع فی الثواب لم یصح عبادته و دعاوه ذکر ذلك عند قوله تعالی ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة و جزم فی اوائل تفسیر الفاتحة بانه لو قصد اصلی لثوابه او لهرب من عقابه فسنت صلاته . " کشکول شیخ بهائی "